

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر: آرش کمانگر شماره 219 یکشنبه 5 مهرماه 1383 26 سپتامبر 2004



آلبرت و همسرش در پای مجسمه مارکس و انگلس

متن سخنرانی یدالله خسرو شاهی ، حسن حسام ، ورژ سهرابیان ، اما سهرابیان و ماتوئل اسماعیلی در مراسم خاکسپاری و گرامیداشت زنده یاد آلبرت سهرابیان در هانوفر آلمان !

در صفحه 3

از رفیق آلبرت سهرابیان می توان و باید آموخت !

امیر جواهری لنگرودی (۳ مهر ۱۳۸۳)

یک یاد و یک آموزش !

در زندگی سیاسی و سازمانی ما حوادث بیشماری اتفاق می افتد ، بخشهایی از آنها گذرا و پاره ای از آنها درس آموزند . آلبرت در اخلاق و منش سازمانی اش ، آموزه های بسیار ارزنده و به خاطر ماندنی از خود به جا گذاشت ، نتوانستم این آموزه را که خود بمانند یک تن از آن همه شرکت کننده گان در نشست سازمانی ، شاهدش بودم با یاد آلبرت به ثبت نرسانم .

بقیه در صفحه 2

مراسم یادمان جانباختگان تابستان 67 در واشنگتن

صفحه 7

پیام کمیته مرکزی سازمان به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

با به پایان رسیدن فصل تابستان و آغاز پائیز، بیش از هفده میلیون تن از دانش آموزان کشورمان راهی مدارس شدند تا سال تحصیلی 83-84 را با هزار آرزو آغاز کنند. این در شرایطی رخ میدهد که میلیونها کودک و نوجوان در ایران وجود دارند که یا هرگز پا به محیط آموزش نگذاشته اند و یا مدرسه را پس از چند سال رها می کنند. علت عمده اکثریت کسانی که از ادامه تحصیل محرومند، همانا فلاکت و بحران اقتصادی-اجتماعی موجود و عواملی چون فقر والدین و نیاز آنها به کار و درآمد فرزندان خود می باشد. ضمن اینکه سیاست های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی نیز سبب کشتن روحیه تحصیلی و رغبت به کسب علم و فن میگردد. این رژیم از یک طرف با حذف بسیاری از متون و دروس علمی و جایگزینی آنها با مثنی خرافات مذهبی و قرون وسطایی، مراکز علم و آموزش را به حجره های جعل و وجهل پراکنی مبدل نموده واز سونی دیگر با اعمال شدیدترین سرکوب ها ، جو خفقان آلودی را در مدارس سراسر کشور حاکم کرده است، جوی که هم معلم و هم محصل را از حق آزادی اندیشه، بیان، تشکل و تحقیق و تفحص باز میدارد و محیطی کلیشه ای، سنتی و ناهنجار را بر مراکز آموزشی مستولی می کند

بقیه در صفحه 2

مصاحبه با یونس پارسا بناب



= نویسنده ، فعال چپ و استاد دانشگاه در واشنگتن =

پیرامون وضعیت سیاسی امریکا و انتخابات ریاست جمهوری آن

در صفحه 6

دنباله از صفحه یک

دنباله از صفحه یک

مناسبت آغاز سال تحصیلی**از رفیق آلبرت سهرابیان می توان و باید آموخت !**

انگار همین دیروز بود (مرداد ماه ۸۲) که در کنگره نهم سازمان ما (راه کارگر) و قبل از گزارش سخنگوی کمیته انتخابات ، مسئول مالی سازمان را به همراه یادداشتی در دست ، برای چندمین بار ، دور و بر میز هئیت رئیسه می دیدم که وقت صحبت می خواست تا خبری را به اطلاع همگان برساند و درد دلش را خالی کند لذا مرتب این پا و آن پا می کرد !

سخنگوی کمیته انتخابات پیشنهاد جمعی اعضاء خود را به کنگره مبنی بر تجدید کاندیدا توری افتخاری رفیق آلبرت سهرابیان را ارائه داد ، جمعیت حاضر از جا برخاست و با کف زندهای ممتد و ابراز احساسات فراوان ، به پیشنهاد کمیته انتخابات صحه گذاشت .

چند لحظه بعد مسئول مالی برای ارائه خبر به جایگاه دعوت شد وقتی پشت میکروفن جا گرفت با صدای آرامی گفت :

« رفقای عزیز دیروز یک تن از رفقا ضمن ابراز تاسف از وضعیت جسمی رفیق آلبرت و شاد باش ایشان از بر پایی کنگره ، رفیق آلبرت توسط ایشان هم سهم شرکت در کنگره و هم حق عضویت شش ماه آینده اش را به مالی سازمان پرداخت !! » جمعیت بار دیگر به احترام عمل رفیق آلبرت کف زدند و جای خالی رفیق را سبز یافتند !

رفیق مسئول مالی با انتقال این خبر می خواست اولاً حضور رفیق آلبرت را در میان جمع اعلام دارد ، دوماً در برابر پاسخگویی به نیازمندیهای ضرور مالی سازمان از آن دست از رقاباتی که کیسه را دیرتر شل می کنند و سهم خود را تا آن لحظه نپرداخته بودند ، می خواست تا کیسه را شل کنند و از آلبرت فرا بگیرند .

چه پسندیده می نمود این ابتکار رفیق آلبرت که بازتاب کار و عمل اش ، در میان جمع اثر بخشید و مالی سازمان نیز به نوایی رسید !

آلبرت عزیز در غیاب خود با رفتار و منش حزبی اش ، آموزه های آموختنی را در عمل به ما منتقل نمود ، باری زندگی و عمل چنین انسان فرهیخته ای فراموش نا شدنی می نماید !

ضمن اینکه بیش از یک میلیون معلم همچون سایر اقشار طبقه کارگر (طبقه مزد و حقوق بگیر جامعه) بدلیل در آمد ناچیز ناشی از شغل حساس و مهم شان، ناگزیر از زندگی چند شغله هستند. این مسئله روحیه و انرژی آنها را به تحلیل میبرد و نه تنها سبب عدم ارتقای توانایی علمی و تعلیم و تربیتی آنها می گردد، بلکه ایشان را حتی از پیشبرد وظایف عادی جاری در مدارس نیز باز میدارد. نتیجه ناگزیر این روند، افت تحصیلی و علمی دانش آموزان است. البته بخشی از خانواده های متوسط و مرفه، با استخدام معلم خصوصی و یا ثبت نام فرزندان خود در مدارس موسوم به غیرانتفاعی سعی در مقابله با این پدیده مخرب می کنند، اما میلیونها دانش آموزی که از خانواده های کارگری و زحمتکش برخاسته اند، ناگزیرند در این محیط آموزشی بحران زده، عقب مانده و کسالت آور سال تحصیلی را به آخر برسانند. چه بسا در همین مسیر ، در نهایت ناامیدی، به ترک تحصیل روی می آورند. آنها البته با چشم خود می بینند که وقتی صدها هزار فارغ التحصیل دانشگاهها ، قادر به پیدا کردن شغلی متناسب با تخصص و مدرک خویش نیستند و وقتی مشاهده می کنند که درصد اشتغال زنان ایران از دوازده درصد تجاوز نمی کند، از خود می پرسند، به چه امیدی دلمشغولی گرفتن دیپلم را بخود راه دهند!؟

بدین ترتیب عظیم ترین قشر اجتماعی کشورمان که در هر جامعه " نرمالی" بعنوان یک قشر آینده ساز، روی آن حساب ویژه ای باز می کنند، از " خیر" سر نکبت جمهوری اسلامی، آینده ای تیره و تار را در برابر خود می بینند. اما این سرنوشت محتوم و تغییر ناپذیر میلیونها کودک و نوجوان کشور ما نیست، آنها می توانند در کنار سایر جنبشهای اجتماعی(جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش زنان و.....) با مقاومت در برابر سیاست های ویرانگر رژیم اسلامی و تقویت صفوف خود و ایجاد تشکل های مستقل در مدارس و محلات، عزم خو را برای پایان دادن به عمر این رژیم آینده سوز دو چندان کنند.

تردیدی نیست که دانش آموزان- بویژه محصلین دبیرستانها در شهرهای بزرگ - بخش مهمی از جنبش عمومی جوانان و مردم کشورمان بر علیه استبداد حاکم را تشکیل میدهند، اما ضروریست در خود مدارس نیز که امکان ثابت و محیط اجتماعی مناسبی را همچون دانشگاه برای تداوم مبارزه فراهم می کند، جنبش و تشکل های مستقل دانش آموزی را شکل دهند.

معلمین پیشرو و محافل و هسته های دانش آموزان آگاه و مبارز؛ نقش مهمی در این حوزه ایفاء می کنند. وظیفه ای که اگر با پشتکار و پختگی به آن پرداخته شود، می تواند به دو دهه رخوت و رکود سیاسی در مدارس و عقب نشینی فاحش جنبش دانش آموزی در برابر رژیم، پایان دهد.

با امید به شکستن سد اختناق در مدارس و خروج مجدد حرکات اعتراضی دانش آموزی ، سال تحصیلی پر باری را برای همه محصلین ایران آرزو می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پیمودن چنین راه دشواری بدون همپایی سیرانوش همسرش ممکن نبود. ما به او درود می فرستیم و یاد البرمات عزیزمان را گرامی می داریم.

تقی اغنیا ، احمد شیپانی، فرهاد مینوکه، مهرداد مینوکه، مسعود ملازاده

همیندان آلبرت از انگلستان

2- پیام تعدادی از هم پندان زنده یاد آلبرت از ایران با اندوه و تائر فراوان خبر درگذشت همبند سابق و یار همیشگی مان را شنیدیم.

مرگ او درد سنگینی بر سینه ما و خلا بزرگی در وجودمان بر جای گذاشت و ما را از وجود یک همزمز متواضع و صمیمی بی بهره ساخت.

زندگی پر بار آلبرت و راهی را که به پیش برد به صورتی بود که می توان گفت به طور واقعی او بر مرگ چیره شد. ما از صمیم قلب فقدان این مبارزه خستگی ناپذیر را به همسر و خانواده او و همگی شما تسلیت می گویم و برایتان آرزوی صبر و بردباری داریم.

سیامک لطف الهی، علی پاینده ، حسن نجفی، بهروز نظامی انصاری ، رضا سلحشور، داود عیوض محمدی ، حسین رضایی، بهرام معلمی ، یوسف مصطوی، علی اصغرمنطقیان، عبدالله مهری

* سخنان حسن حسام در مراسم خاکسپاری

هیچکس عمر جاودان ندارد. تنها ارزش های بجا مانده از انسان است که تا جاودان، تا وقتی انسان بر این کره خاکی نفس می کشد، بجای می ماند و ره توشه و جانمایه رهروان می گردد.

بسیار پیشتر از قیام اسپار تاکوس تا به امروز میلیون میلیون انسان غارت شده برای رهایی از بند نظام هایی که استثمار و غارت انسان از انسان را نهادی می کنند، به پا خواسته اند.

در مسیر این راهپیمایی طولانی هزاران هزار ره جوی حق طلب یا بر خون در غلطیده اند و یا در چنبره ی مرگی نبود از پای افتاده اند، بی آنکه این راه پیمایی که ارزش ناشی از آن باشرف انسان قرین است، لحظه ای متوقف شود.

رفیق آلبرت سهرابیان فرزند رنج و کار در این راه پیمایی باشکوه، یکی از مشعل داران بود. او چکیده اعتقاد به خود رهایی کارگران و زحمتکشان بود. او در عین اشتی ناپذیری اش با نظام جهنمی سرمایه داری و سردمداران آدمخوار آن که در ایران دریند با سلسله ی شیخ و شاه نمود دارند، مثل آینه زلال بود، مثل مادر مهربان بود، مثل شیرینی بود و عاشق بود.

اگر بشود زندگی ستایش انگیز هشتاد ساله ی او را در کلماتی خلاصه کرد، به باور من چنین است:

دل مشغولی اصلی او چیزی نبود جز سازمان یابی طبقه کارگر و آموزش و ارتقا آگاهی این طبقه. این مساله را در هیچ دیدار و هیچ لحظه ای به فراموشی نمی سپرد و به دیگران گوش زد می کرد و به آن تاکید داشت.

او نه تنها به درستی راهی که تمام عمر آن را پیموده بود و با تمام وجودش اعتقاد داشت، که به طرز حیرت آوری به پیروزی بی چون چرای آن ایمانی راسخ داشت.

زندگی را با همه ی سایه روشن هایش دوست داشت، همه ی ما را با مهربانی تمام دوست داشت، فرزندانیش را مثل جاننش دوست داشت و عاشق رفیق سیرانوش بود و قریب بیست سال پیش برایش سروده بود:

هست آبا یادت

یاد آن لحظه ی عهد و پیمان

که یک بوسه ی پاک

من شدم تو

تو شدی من

آن شب

هیچ کس را به یقین نیست یارا

که جداگر داند تو و من را

ما را

هیچ کس حتی خاک

هیچ کس حتی خاک.

متن سخنرانی یدالله خسرو شاهی ، حسن حسام ، ورژ سهرابیان ، اما سهرابیان و مانوئل اسماعیلی در مراسم گرامیداشت زنده یاد آلبرت سهرابیان در هاتوور آلمان !

* سخنان یداله خسروشاهی در مراسم خاکسپاری!

رفقا، دوستان و یاران عزیز! گرچه جسم آلبرت عزیز از میان ما رفت. اما بیش از 67 سال کار و رنج و مبارزه از او انسانی ساخت که امکان از یادبردنش برای تمامی کسانی که حتی برای مدتی کوتاه با او آشنا بودند غیرممکن است.

خصایل و نیکی و یک کارگر مبارز و آگاه به منافع طبقاتی خویش جزئی جداناپذیر از وجود او بود. زندگی اجتماعی خویش را در سنین بسیار پایین با کار شروع کرد و طی سال ها کار و مبارزه از او شخصیتی شکل گرفته بود که مایه تحسین و ستایش اطرافیان بود.

استواری و پایداری در اصول و انعطاف بسیار در تاکتیک و عمل روزانه جهت پیش برد امر سوسیالیسم و سوق دادن حرکت جنبش کارگری به پیش با چهره ای همیشه خندان و صبور از مشخصه اصلی شخصیت انسانی او است.

آلبرت این رفیق عزیز و یار همیشگی ما آرزوهای بسیار داشت. می خواست سرنگونی رژیم کارگرکش اسلامی را به چشم ببیند و در جشن پیروزی نهایی کار بر سرمایه شرکت کند. به قول خودش آرزو داشت در کنگره تشکلات انقلابی و مستقل کارگران شرکت داشته باشد. می خواست پیروزی کارگران سفز در بی دادگاه های رژیم اسلامی را جشن بگیرد و هزاران آرزوی دیگر برای بهروزی کارگران ...

تکیه کلام همیشگی او تقدم منافع طبقه کارگر بر منافع فردی و گروهی و وحدت عمل طبقه کارگر با نفی هرگونه فرقه گرایی بود.

ما در مرحله وداع با جسم او - به یار و رفیق ابدی- تعهد می دهیم که برای تحقق تمامی آرزوهایش همچنان به مبارزه ادامه خواهیم داد و در این راه تا آخرین لحظه زندگی به پیش خواهیم رفت و در انتهای راه زندگی فردی خود - پرچم مبارزه را به دست نسل جوان خواهیم سپرد.

ما به آلبرت عزیز می گویم - در جشن و شادی در مبارزه و پیروزی و در تمامی عرصه های مبارزاتی یاد او را گرامی خواهیم داشت و مبارزه خود را مبارزه او می دانیم.

گرچه جسم او با ما نیست، اما آثار، افکار و آموزش هایش همواره با ما خواهد بود و آنها را توشه راه مبارزاتی خود خواهیم کرد.

مسیر زندگی 77 ساله او مسیری بس پرمشقت و با تلاطم های بسیار همراه بود. که او با استواری و پای بندی به سوسیالیسم و آرمان والای طبقه کارگر آنها را با افتخار تمام و بدون کوچک ترین خللی به پیش برد و از این آزمایشگاه تاریخ سرافراز و با گردنی افراشته بیرون آمد و با ما وداع کرد. امری که ما به آن مباحث می کنیم و امروز برای وداع با او گرد هم آمده ایم. راهی که رسیدن به انتهای پیروزمندان آن برای بسیاری دشوار و ناممکن است.

بدون انتها لازم است تاکید کنم که بدون همراهی و همدلی، بدون کمک و مساعدت بی وقفه سیرانوش همسر و یار همیشگی آلبرت رسیدن به این مرحله شکوفایی زندگی برای آلبرت بسیار مشکل و تحمل ناپذیر بود. با درود فراوان و ستایش بیکران به سیرانوش عزیز برای تحمل همه مشکلات و ناملايمات زندگی، یاد یار عزیزمان گرامی و راهش پر رهرو باد.

(رفیق یدالله سپس به فرانت دو پیام از همیندان سابق رفیق آلبرت در زندانهای ستم شاهی همت میگمارد که ذیلا عینا بچاپ میرسد:)

1- آلبرت فرزند کار بود. شریف زیست و تا پایان عمر به آرمان هایش که جهانی عاری از جنگ و تبعیض بود، وفادار ماند.

متن سخنرانی

رفیق آلبرت سهرابیان انسان بود، کمونیست بود. کارگر بود. آموزگار ما بود. درود و ستایش بر او باد.



آلبرت به همراه زنده یاد عباس فضیلت کلام (پدر سه جاتباخته سازمان چریکهای فدایی خلق)

* سخنان ورژ سهرابیان پسر آلبرت در مراسم خاکسپاری

دوستان و رفقای گرامی!
از همه شما که با قلبی اندوهبار برای آخرین وداع با آلبرت از دور و نزدیک به این جا آمده‌اید تشکر می‌کنم. ما پدر عزیزمان را از دست دادیم و شما رفیق ثابت قدم و وفاداران را! او در اوج مرضی همه قوای جسمی خود را از دست داده بود اما امید در وجود او همچنان زنده بود! او همچنان معتقد بود که کارهای زیادی در پیش است و امید داشت که زنده بماند و آن‌ها را انجام دهد. من یکشنبه پیش هنگامی که در جلسه پالتاک در مورد رادیو صدای کارگران شرکت داشت در کنار او بودم و از او فیلم برمی‌داشتم. او به زحمت می‌توانست روی صندلی بنشیند، کلمات به زحمت از دهانش خارج می‌شدند، اما با اصرار تا ساعت یک شب تا پایان مباحثات در جلسه باقی ماند!

از زمانی که خاطرات کودکی‌ام به من اجازه می‌دهد همین تصویر را از او دارم. همیشه امیدوار، همیشه خوش بین به آینده، همیشه مصمم برای کار و فعالیت!
او نتوانست کارها را به پایان برساند ولی با وجود دوستان و رفقای مانند شما مطمئن هستم که این راه ادامه خواهد یافت.
بار دیگر به همه شما، به همه‌مان تسلیت می‌گویم. از این که برای آخرین خداحافظی حضور یافتند سپاسگزارم. از سوی خانواده ما و همه خانواده‌های وابسته از کلیه کسانی که از ایران و خارج از کشور در یک هفته گذشته با ما اعلام همبستگی کردند تشکر می‌کنم. از کلیه سازمانها، نهادها و افرادی نیز که از طریق دادن پیام با ما ابراز همبستگی کردند صمیمانه سپاسگزاریم.
پیروز باشید!

سخنرانی اما سهرابیان دختر آلبرت در مراسم گرامیداشت!

دوستان و رفقای گرامی!
من هم به نوبه خود به عنوان دختر بزرگ آلبرت از طرف خود و خانواده از حضور شما در این مراسم تشکر می‌کنم.
آلبرت پدر من بود ولی در همانحال پدر و رفیق شما هم بود. او فردی بود که تمام زندگی‌اش را وقف مبارزه برای خوشبختی انسان‌ها کرد. او زندگی را خیلی دوست داشت؛ از زیبایی زندگی و

طبیعت واقعا لذت می‌برد و تلاش می‌کرد از هر لحظه زندگی که نصیب او می‌شد حداکثر استفاده را بکند. عشق و علاقه او به انسان‌ها به انسان‌ها طوری بود که می‌توانست به سادگی با کودک، پیر و جوان ارتباط برقرار کرده و علاقه آن‌ها را نسبت خود جلب کند.

او انسانی صادق، صاف و پاک بود و ما را به همان شیوه ترتیب کرده بود. هنگامی که کوچک بودم از او پرسیدم پدر دروغ چیست؟ او در جواب گفت دروغ و فریب از خصائل انسان‌هایی است که درست‌کار نیستند. انسان واقعی هیچ گاه به دروغ و فریب متوسل نمی‌شود.

پدر و مادر من هر دو درگیر فعالیت سیاسی بودند و بنابراین کمتر می‌توانستند وقت و انرژی‌شان را صرف پاسخ دادن به نیازهای ما کنند. آلبرت صبح زود از خانه خارج می‌شد، بعد از ظهر از سرکار برگشته و پس از چند دقیقه‌ای که با ما بود برای کار تشکیلاتی از خانه می‌رفت و شب دیر وقت هنگامی که ما بچه‌ها در خواب بودیم به خانه برمی‌گشت. اما او چنان لبریز از محبت و عشق پدرانه بود که در همان مدتی کوتاهی که با ما بود نیازهای عاطفی ما را ارضا می‌کرد. همین محبت موجب می‌شد که همه ناملایمات ناشی از زندگی مبارزاتی او را تحمل کنیم و تا حد مقدور از او حمایت کنیم.

ما از فعالیت تشکیلاتی پدرمان اطلاع داشتیم و هنگامی که کمی بزرگ شدیم یاد گرفتیم که چگونه مخفی‌کاری کنیم و فعالیت او و رفقایش را از دیگران مخفی کنیم. ما همچنین می‌دانستیم که دیر یا زود دستگیر خواهد شد. و چنین هم شد.

از آن پس سالهای ملاقات در پشت میله‌های زندان شروع شد. اگر چه او از ما جدا شده بود ولی اطمینان داشت که مادرم سیرانوش می‌تواند با کار خستگی‌ناپذیرش هم زندگی ما را تامین کند و هم به درستی از عهده تربیت ما برآید.

دوستان گرامی!
امیدوارم به جامعه‌ای دست یابیم که در آن انسانها به خاطر عقاید خود دستگیر، شکنجه و زندانی نشوند. هیچ کودکی سالهای سال در ترس و هراس از دستگیری پدر و مادر خود بسر نبرد، جامعه‌ای که در آن انسانها آزاد و برابر بسر برند. یعنی آرمانهایی که آلبرت برای آنها مبارزه می‌کرد، یعنی همان اهدافی که شما برای آن مبارزه می‌کنید و امروز برای تجلیل از زندگی و مبارزه آلبرت در این جا جمع شده ایم.
ما از طرف خودم و خانواده برای بار دیگر از محبت شما تشکر می‌کنم و برای همه‌تان آرزوی پیروزی می‌کنم!

سخنرانی مانول اسماعیلی در مراسم گرامیداشت.

رفقای ما درباره مبارزات سیاسی آلبرت عزیز صحبت کردند. من در این جا با اجازه شما قصد دارم به طور مختصر درباره مبارزات کارگری آلبرت تا آنجا که خود شاهدش بودم صحبت کنم. البته سابقه مبارزات کارگری آلبرت به دهه ۱۳۲۰ بر می‌گردد یعنی دوره‌ای که در آن مبارزات کارگری به اوج خود رسید و "شورای متحده کارگری" به وجود آمد. آن چه که به این دوره بر می‌گردد آلبرت در کتاب خاطراتش مطرح کرده است.

پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۲۲ کلیه تشکلات کارگری به شدت سرکوب شدند. اما در همین دوره خفقان شدید بود که اولین اعتصاب کارگری توسط کارگران کفاش در تهران سازمان یافت که آلبرت و آوانس از دست‌اندرکاران و سازمان‌دهندگان آن بودند.

من برای اولین بار در سال ۱۳۳۶ با آوانس مردادیان (که خود از فعالین شورای متحده کارگری بود) و نیز آلبرت آشنا شدم. این دوره‌ای بود که جنبش به تدریج پس از سرکوب‌های سال ۳۲ سربلند کرده و شرایط برای احیا مجدد کار سندیکائی فراهم می‌شد. بخشهایی از رژیم شاه تلاش می‌کرد تا سندیکاهای کارگری را به سندیکاهای زرد و مدافع رژیم شاه مبدل کند و متقابلاً "رهبران جنبش سندیکائی نیز تلاش می‌کردند که ضمن بهره‌برداری از فضای به وجود آمده استقلال جنبش‌های کارگری را حفظ کنند. در آن موقع جلسات فعالین کارگران کفاش تشکیل می‌شد. در این جلسات آلبرت و آوانس شرکت می‌کردند اما با توجه به سابقه سیاسی‌اشان که برای رژیم شاه شناخته شده

متن سخنرانی

یافتند. آلبرت در میان آنها چنان محبوب است که آنها عکس آلبرت را در همه کارخانه و حتی در بخش اداری کارخانه آویخته‌اند. آلبرت همچنین عمیقاً طرفدار استقلال تشکلهای کارگری بود و ضمن این که همواره فردی حزبی و منضبط بود در فعالیتهای کارگری مد نظر داشت که همواره باید استقلال تشکلهای کارگری حفظ گردد.

ما فقدان آلبرت عزیز را به همسرش سیرانوش و خانواده و به همه شما عزیزان به همه فعالین جنبش کارگری تسلیت می‌گوییم و مطمئن هستیم که راه او ادامه خواهد یافت.

بود خود را به اصطلاح جلو نمی‌انداختند. پس این جلسات من با هم به طور مخفیانه ملاقات کرده و پس از جمع‌بندی تصمیم می‌گرفتم که در جلسات بعدی چگونه عمل کنیم. من از آن جا که به عنوان یک فعال سیاسی برای رژیم شاه شناخته شده نبودم نقطه‌نظرات را مطرح می‌کردم و آلبرت نیز در جریان مباحثات از آنها دفاع می‌کرد و با توجه به نفوذی که در میان فعالین کارگری داشت معمولاً این سیاست‌ها با استقبال کارگران مواجه می‌شد. همین مسئله در مورد رهبری سندیکاها نیز مطرح بود. در صحبتی که با رفقا داشتیم آلبرت مطرح کرد که من خود را برای " هیئت مدیره سندیکا" کاندید کنم و من خود را کاندید کرده و به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران انتخاب شدم. از آن پس مبارزه طولانی برای به دست آوردن مطالبات کارگری و در راس آنها بیمه‌ها اجتماعی کارگران کفاش شروع شده و بالاخره پس از شش سال به نتیجه رسیده و به کارفرمایان و دولت تحیم شده و وزارت کار نیز آن را مورد تأیید قرار داد. در اواخر سال اول سال ۴۹ و اوایل ۵۰ بود که ساکا دستگیر شد. مقاومت شجاعانه آلبرت در زندان موجب شد ک شبکه‌های فعالیت کارگری ما ضربه نخورده و به کار خود ادامه دهد. ما قبلاً با آلبرت اهداف مبارزاتی را تعیین کرده بودیم که عبارت بود از ایجاد " صندوق تعاونی مصرف کارگران کفاش" و نیز " صندوق کمک هزینه مسکن". در ادامه تلاشهای فعالین سندیکائی توانستیم " صندوق تعاونی مصرف کارگری" را ایجاد کنیم و به طور رسمی در وزارت کشور به ثبت برسانیم.

آلبرت پس از آزادی از زندان دوباره به جمع ما پیوست و با وقوع انقلاب بهمین فضای جدیدی در کشور ایجاد شد. در این دوره او با شرکت در فعالیتهای سندیکائی کمک شایانی به احیاء سندیکا کارگران کفاش در شرایط جدید کرد. اما با وجود رژیم جمهوری اسلامی این شرایط و فضای جدید دیری نپایید. این بار بجای ساواک این بار " امت حزب اله" بود که سندیکاها و فعالین سندیکائی را تحت هجوم قرار داد. رژیم جمهوری اسلامی سال ۱۳۶۱ به محل سندیکای ما در خیابان لاله‌زار نو هجوم بود و کلیه اسباب و اثاثیه و نیز آرشیو و پرونده‌های چنددهساله را مصادره کرده و به با کامیون به دادستانی حمل کردند. کارگران مهر و موم را شکسته و تلاش کردند که دوباره دفتر سندیکا را بازگشائی کنند اما رژیم با دستگیری بیش از پنجاه نفر از فعالین سندیکائی مانع از این کار شد.

چون وقت اجازه نمی‌دهد من به این مختصر کفایت می‌کنم! از جمله صفات آلبرت، نفوذ قوی معنوی و اخلاقی او در میان کارگران بود. او فردی بسیار منصف بود و بهمین خاطر بود که کارگران به قضاوت او اعتقاد داشته و برایشان آلبرت یک قاضی عادل بود. هنگامی که اختلاف میان کارگران بروز می‌کرد می‌گفتند به پیش " اوستا آلبرت رفته و هر چه او گفت قبول می‌کنیم". آلبرت البته همواره تلاش می‌کرد که اختلافات را به شیوه عادلانه حل و فصل کند ولی بهر حال حرف او به عنوان حرف آخر مورد قبول کارگران قرار می‌گرفت.

از صفات دیگر آلبرت این بود که اگر چه بسیاری او را همچون یک مرجع قبول داشتند اما او به هیچ وجه تعصبی بر روی آن چه مطرح می‌کرد نداشت. اگر کسی حرف درستی می‌زد بدون هیچ گونه تعصب نظر درست را قبول می‌کرد. بنابراین کارگران ضمن این که از او بسیاری چیزها یاد می‌گرفتند می‌دیدند که او بیان نظرات آن‌ها نیز هست.

آلبرت در عین حال استادکاری بی‌نظیر و هنرمندی توانان در رشته خود بود. او اما همچون پدری مهربان حرفه خود را به کارگران همکار خود می‌آموخت و به همین خاطر در هر جا که کار می‌کرد به فردی محبوب همه کارگران مبدل می‌شد. شما دیروز مشاهده کردید که دو تن از کارگران آلمانی همکار او از فرانکفورت به نمایندگی از سوی همه کارگران کارخانه‌ای که او در آخرین سالیان فعالیت شغلی خود در آن جا کار می‌کردند در مراسم خاکسپاری حضور

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etchadchap.com

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

افتاده و عموماً هدف استراتژیکی جهانی آمریکا را به زیر سؤال کشیده اند.

کمانگر : با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر ، وضعیت افکار عمومی و آخرین نظرسنجی ها را چگونه می بینید ؟ در همین رابطه مختصری در مورد ویژه گی های انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده توضیح دهید .

پارسی بناب : انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر امسال که هر چهار سال یکبار بدون وقفه تا حالا در تاریخ آمریکا به مورد اجرا گذاشته است، از توجه و اهمیت ویژه ای برخوردار است. تا حالا مردم جهان و حتی در صد قابل توجهی از مردم آمریکا (29 درصد) انتخابات آمریکا را جدی نگرفته و آن را یک عمل تشریفاتی محسوب می داشتند. مردم آمریکا هیچ زمانی در تاریخ معاصر خود (از زمان پایان جنگ داخلی در 1866 میلادی تا کنون) به چنین بعد و عمقی به دو بخش بسیار " متخاصم و ستیزه جو " تقسیم نشده بودند. این اولین بار است که سیاست خارجی آمریکا (جنگ عراق) به مهم ترین موضوع انتخابات ریاست جمهوری تبدیل گشته است، در صد بزرگی از مردم آمریکا) چه آنها نیکه مخالف بوش و موافق جان کری هستند و چه آنها نیکه برعکس) معتقدند که جنگ عراق آغاز یک جنگ طولانی است که امکاناً در طول آن از عراق به عنوان یک " سکوی پرش " و " ایستگاه بنزین گیری " استفاده خواهد شد و جنگ از آنجا به نقاط مختلف منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش خواهد یافت.

کمانگر : " جان کری " رقیب اصلی جورج بوش ، بنظر میرسد اندکی از ژستهای صلح طلبانه خویش کاسته و با به نمایش گذاشتن فیلم شرکت خود در جنگ ویتنام و بر زبان راندن پی در پی جملات مذهبی ، سعی دارد آرای بخشی از افکار عمومی محافظه کار را بدست آورد . اصولاً مجموعه مواضع حزب دمکرات ، چه تفاوتها و تشابهاتی با مواضع حزب جمهوریخواه دارد ؟

پارسی بناب : آمریکا بر خلاف تبلیغات جاری (از طرف رسانه های گروهی وابسته به نظام) یک کشور تک حزبی است که در درون آن حزب دو جناح بزرگ سرمایه داری: (نهادهای مالی " شرقی " و نهادهای مالی " غربی ") پیوسته در رقابت و تبانی با همدیگر دست و پنجه نرم می کنند. " جناح شرقی " توسط نیروها و خانواده های بانفوذ شرق آمریکا- راکفلر ها ، کندی ها ، ماریوکوموها و ... - و " جناح غربی " توسط - هالی برتن ها و کمپانیهای فراملی نفت و انرژی و " شبکه نظامی- صنعتی " نمایندگی میشوند.

محمل اصلی " جناح شرقی " را حزب دموکرات و محمل " جناح غربی " را حزب جمهوریخواه تشکیل میدهند. به نظر من منافع گروه های فشار و جناح های متشکل سرمایه داری در درون حزب دموکرات حکم میکند که پروسه استراتژیکی هژمونی نفتی در خاور میانه را از طریق دیپلماسی و با نزدیکی به متحدیان آمریکا طی کنند. روی این اصل کاندیدای آنها (جان کری) روی خط " دیالوگ " و " مذاکره " با ایران و سوریه و فلسطین و ... است.

جورج بوش کاندیدای " جناح غربی " و نوکانها (که در حال حاضر بر سه قوه دولتی - مقننه، اجرائیه و قضائیه- حاکمیت دارند ، مردم آمریکا را برای یک جنگ طولانی در خاور میانه و امکاناً حمله نظامی هوایی (به احتمال قوی

مصاحبه با یونس پارسی بناب

= نویسنده ، فعال چپ و استاد دانشگاه در واشنگتن =

پیرامون وضعیت سیاسی آمریکا و انتخابات ریاست جمهوری آن

آرش کمانگر : ضمن تشکر از قبول مصاحبه ، اولین پرسش من در مورد کنوانسیون اخیر حزب جمهوریخواه در نیویورک و تظاهرات عظیم مردم علیه سیاستهای جنگ طلبانه بوش میباشد . لطفاً هم در مورد این اجلاس و هم مارش بزرگ مردم ، توضیحاتی را ارائه کنید .

یونس پارسی بناب : من هم تشکر میکنم که از من برای این مصاحبه دعوت کردید. همانطور که میدانید هر چهار سال یک بار در آمریکا احزاب برای انتخاب کاندیدای خود برای انتخابات ریاست جمهوری کنوانسیون کشوری برگزار میکنند. امسال کنوانسیون حزب دموکرات در شهر بوستون در ماه اوت و کنوانسیون حزب جمهوریخواه نیز در شهر نیویورک در ماه سپتامبر برگزار گشت.

بر خلاف کنوانسیونهای سال های قبل ، امسال تظاهرات، اعتراضات ، راه پیمائی ها و بست های متعدد از طرف اقشار مختلف شهر نیویورک در روزهای کنوانسیون جمهوریخواهان برگزار گردید که از نظر تعداد شرکت کنندگان در تاریخ آمریکا بی نظیر بود. در این تظاهرات و ...، که همگی بر علیه جنگ عراق و سیاست های جنگ طلبانه و سیطره جوانه ای نوکانها (نئو محافظه کاران) در عراق ، فلسطین و افغانستان بود، نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت شرکت کردند که حتی خود مجریان و سازماندهان این تظاهرات و ... را به حیرت انداخت .

به نظر من این اقدامات ضد جنگ و راه پیمائی های سه روزه در نیویورک بخشی از " ابر قدرت " افکار عمومی جهانی (" وجدان بین المللی ") است که از سال 1998 (بعد از تظاهرات وسیع نیروهای ضد گلوبالیزاسیون در شهر سیاتل) بدین سو شکل یافته و امروز بعد از حمله نظامی به افغانستان و سپس حمله نظامی به عراق و اشتغال آن کشور (در 18 ماه گذشته) رشد کیفی یافته است.

ابر قدرت افکار عمومی جهانی جنبش های فراگیر اجتماعی - سیاسی است ، که در حال حاضر مستقل از عملکردها و سیاست های دولت های سنتی نیروهای متنوع و فراگیری را در بر میگیرد.

این جنبش ها که در اکناف جهان به شکل های گوناگون (مثل جنبش های ضد جنگ و آنتی گلوبالیزاسیون ، تداوم بقایای نهضت های رهائی بخش دهه های 1960- 1970، بیانیه ها و همایش های ضد جنگ از طرف بخش بزرگی از کلیساهای، مبارزات وسیع مردم جهان علیه جورج بوش بویژه در خیابانهای کشورهای پیرامونی جهان سوم و اعتراضات و سخنرانی های شخصیت های بانفوذ و محبوب بین المللی مثل گارسیا مارکز در کلمبیا، نوام چامسکی در آمریکا، یوسف شاهین در مصر، گونتر گراس در آلمان و نلسون ماندلا در آفریقا و ...) ظهور کرده اند عمدتاً در چالش با نظام جهانی سرمایه در راس آن آمریکا به وجود آمده، در تضادی آشکار با هئیت حاکمه آمریکا بویژه جورج بوش و نئوکانها

مصاحبه با

توسط دولت فعلی اسرائیل (ائتلاف لیکود) به ایران و احتمالاً سوریه آماده میسازند.

کمانگر : آیا مردم امریکا که در تمام سالهای گذشته ، مجبور بوده اند میان دو حزب عمده یکی را برگزینند ، امکان آنرا دارند که گزینه دیگری را اختیار کنند ؟ مثلاً در یک دهه اخیر بتدریج بر آرای حزب سبز - بویژه رهبر آن " رالف نادر " - افزوده شده است . شانس این حزب و دیگر احزاب کوچک برای بدست آوردن آرای مردم چقدر است ؟ در همین رابطه در مورد وضعیت جنبش کارگری و نیروهای چپ در امریکا ، توضیحاتی را ارائه نمایند .

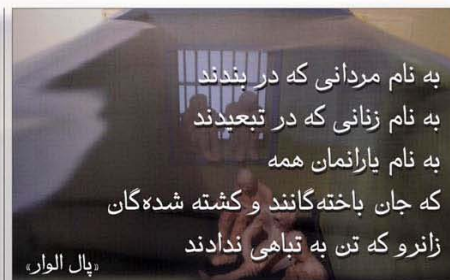
پارسا بناب : مکانیزم و ساختار تشکیلاتی و مقرراتی حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه که در واقع به عنوان دو جناح در داخل یک نهاد جبهه ای عمل میکنند توسط معدودی کمپانی های فراملی انگشت شمار تنظیم و اداره میشوند. در تحت این شرایط به نظر من در حال حاضر نیز مثل صد سال گذشته امکان اینکه توده های مردم بتوانند بر مکانیزم ها و مقررات حاکم در سیستم و شیوه انتخاباتی در امریکا فایق آمده و انحصار را از دست آنان گرفته و گزینه دیگری را اختیار کنند ندارند. هژمونی این دو حزب که به عنوان یک نهاد جبهه ای عمل میکنند بقدری گسترده و فراگیر است که در حال حاضر نهادهائی مثل " سبزها " و یا شخصیت هائی مثل " رالف نادر " نمیتوانند انحصار این دو حزب را بر ارکان مملکتی از بین برده و یا حتی ضعیف سازند

کمانگر : با توجه به توضیحات و دیدگاه شما ، درستترین تاکتیک در قبال انتخابات قریب الوقوع ، چه باید باشد ؟

پارسا بناب : به نظر من نیروهای چپ و دموکراتیک و کارگری چون خیلی ضعیف و پراکنده هستند باید به عنوان حداقل یک آلترناتیو تئوریک و سیاسی به درون جوانان و زنان رفته و با آنها هم صدا گشته و بین بد و بدتر به جان گری و بر علیه جورج بوش رای دهند. اگر جورج بوش در انتخابات پیروز گردد، امکان حمله نظامی به ایران وجود دارد. ولی اگر جان کری پیروز شود، امکان حمله اقلاً چهار سال به عقب میافتد و حتی احتمالاً در یک پروسه ای خنثی هم گشته و اتفاق نیافتد.

توجه : این مصاحبه بوسیله فاکس صورت گرفته ، لذا امکان طرح پرسشهای جدید بر مبنای پاسخها ، وجود نداشته است . چاپ این گفتگو به معنای تأیید همه نکات مطروحه در آن نیست و ما از درج دیدگاههای مختلف پیرامون وضعیت حساس امریکا و انتخابات آن ، استقبال میکنیم . لطفا نظرات و دیدگاه خود را به آدرس مقابل ایمیل کنید : Arash.k@rahekargar.net

گردهمایی به مناسبت شانزدهمین سالگرد فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷



به نام مردانی که در بندند
به نام زنانی که در تبعیدند
به نام یارانمان همه
که جان باخته گانند و کشته شده گان
زانرو که تن به تباهی ندادند
پال الوار

برنامه شامل:

- * بررسی تجربیات زندان های جمهوری اسلامی ایران توسط منیره برادران نویسنده کتاب «حقیقت ساده»
- * رقص زیبای شاهرخ مشکین قلم هنرمند میهمان از پاریس
- * نمایشنامه به کارگردانی حسین افصحی

برگزار کنندگان:

- «اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن»
- «جمعی از زندانیان سیاسی سابق و خانواده های قربانیان کشتار ۱۳۶۷»

مکان:

Alice Deal Junior High School
3815 Fort Drive, NW
Washington, DC 20016

زمان:

یکشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴
ساعت ۶ بعد از ظهر

Direction:

From Virginia:
Take 495 towards Bethesda.
Right on exit 39
(River Rd to Washington)
Right on Wisconsin Ave.
Left on Nebraska Ave.
Left on Fort Drive

From Maryland:
Take 495 Northern VA
Right on exit 33
towards Chevy Chase
(Connecticut Ave. South)
Right on Nebraska Ave.
Right on Fort Drive

جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن زیر تماس بگیرید:

202-497-6767